

بررسی ماتریالیسم

نویسنده: بابی کوهی

گردآوری: شارمین مهرآذر

Sh.mehrazar@gmail.com

مقدمه:

در ادامه بحث مکاتب فلسفی به زبان ساده در این نوشتار به ماتریالیسم می پردازیم. ماتریالیسم به عنوان یکی از مکاتب مهم و بزرگ که عده بی شماری، از هواخواهان آن می باشند از اهمیت ویژه ای برخوردار است این مکتب تاثیرات عمده ای بر افکار و رفتار انسانها و تاثیرات بزرگی بر جوامع داشته و دارد. هدف از این نوشتار ضمن آشنایی، تایید و یا تکذیب کردن آن نمی باشد و این امر به عهده خود خواننده می باشد.

باید دانست که ماتریالیست نمایندگان از قبیل تالس، هراکلت، دموکریت، اپیکور، هاپز بیکن، دیده رو، فویرباخ، هلوسیوس داشته است. فلاسفه ای نیز متمایل به ماتریالیست بوده اند. از قبیل: دکارت، لاک، اسپینوزا، کنت و اسپنسر.

قبل از ورود به تبیین مادی گری ذکر چند نکته ضروری می نماید. اولین و مهم ترین مخالف ماتریالیسم ایده الیسم می باشد. ایده الیسم معتقد است اشیاء در ذهن ما وجود دارند نه در خارج از آن و اگر چنانچه وجود داشته باشند کپی از اصل است. موجودات انعکاس افکار ما می باشند و این افکار ماست که اشیاء را ایجاد می کند دنیا حقیقتی معنوی است. دنیا محدث است و آفریننده دارد حقایق اشیاء مخلوق ذهن بشرند و جهان حقیقتی است ذهنی. چیزها آنچنانکه به نظرمی رسند نیستند. حواس ما ظاهر اشیاء را درک میکند و از باطن آن بی خبر است. علم نمیتواند در باطن اشیاء راه پیدا کند. انسان نمیتواند ذرات را درک کند. زیرا ارگانهای حسی او از نوع مخصوص است و به طرقی خاص اشیاء را حس می کند. زمان و مکان غیر از فکر چیز دیگری نیست. وجود دوگانه و متشکل از روح و ماده است. روح خالق ماده است. ماده ساکن است و روح متحرک.

ماتریالیسم معتقد است ماده در خارج از ذهن وجود دارد و روح (احساسات) حالتی از حالات ماده می باشند. جهان در عینیت وجود دارد نه در ذهن ما و اشیاء بتوسط تصورات و ادراکات ما درک می گردند. ماده در حرکت است و در زمان و مکان وجود دارد. جهان یک حقیقت مادی است. حیات سیاسی هر جامعه تابع اقتصاد آن جامعه می باشد و مبنای مادی دارد. عوامل اقتصادی اساس جامعه را تشکیل می دهند.

ماتریالیسم تاریخی

مادیون معتقدند که ماتریالیست همیشه با پیشرفت علوم و وضع اقتصادی مردم پیشرفت کرده و با انحطاط علوم و وضع اقتصادی مردم راه انحطاط را پیش گرفته است.

مثلا در قرون وسطی چون بازار علم را کد بود ماتریالیست نیز پیشرفت نکرد ولی بالعکس در قرون 16 و 17 و 18 که علوم متریقی بودند ، ماتریالیست نیز گامهای بلندی بر داشت مثلا مادیت قرن هیجدهم بعثت آنکه علم مکانیک پیشرفت کرده بود بیشتر حالت مکانیکی داشت یکی از ماتریالیستها قرن 18 می نویسد : (همچنانکه کبد از صفرا ترشح می کند مغز هم فکر ترشح می کند . در هر صورت ماتریالیست انسان را محصول محیط می داند و محیط را محصول وضعیت اقتصادی و فعالیت بشر می داند .

همچنانکه ماتریالیسم درجات دارد . ایده آلیسم هم درجات دارد گاهی ایده ایسم بجایی می رسد که حتی وجود ماده را انکار می کند مثلا بر کلی می نویسد (ماده آن چیزی نیست که ما در حین تفکر معتقد میشویم که در ذهن ما موجود است . ما فکر می کنیم که اشیاء موجودند زیرا آنها را می بینیم و لمس می کنیم و از آنجا که اشیاء در ما چنین محسوساتی تولید می کنند ما بوجود آنها معتقد می گردیم در حالیکه محسوسات ما چیزی غیر از تصوراتی که در ذهن داریم نیست پس اشیاء را که بمدد حواس درک می کنیم چیزی جز تصورات نیستند و تصورات نیز در خارج از ذهن موجود نیستند . این در حالیست که لادریون (کسانی که در قبال یک مسئله اظهار می کنند که نمی دانیم) می گویند معلوم نیست جهان در کنه ذات خود روح است یا ماده و شناخت پدیده ها برای ما ممکن است ولی واقعیت آنها از ما مخفی است . اینجانب نویسنده معتقد است که انسان به هنگام پیدایش موجودی خام ولی مستعد می باشد پس اگر بگوئیم که اشیاء را بمدد حواس درک می کنیم که بواقع نیز چنین می باشد و یا حواس ما بتوسط اشیاء شکل می گیرند نیز بخطا نرفته ایم . با این استدلال جمله اشیاء غیر تصورات ما نیستند بطور کامل صحیح می باشد چونکه تصورات نیز بتوسط اشیاء شکل گرفته اند پس حتما شی موجود بوده که باعث تصویری گردیده است. ولی در جواب لادریون می توان بدین نکته اشاره کرد که : با قبول اینکه انسان هیچ موقع بتمامی امور وقوف نداشته و نخواهد داشت می توان چگونگی پیدایش این تردیدها و سوالها را در ذهن انسان بررسی کرد و بعد از ریشه یابی آن پی به صحت شکل گرفتن این تردیدها برد. انسان در عین اینکه موجودی است کنجکاو و طبع او سیری ناپذیر است الزامی ندارد برای هر سوال که در ذهن او نقش می بندد جوابی یافت و یا اصولا اگر یک جمله پرسشی به صرف پرسشی بودن آن، جمله معنی داری باشد و یا بتوان جواب معنی داری برای آن یافت (رجوع شود به پوزیتیویسم منطقی از نویسنده در همین سایت)

دیالکتیک :

دیالکتیک بوجود آمده در اروپا را می توان بشرح زیر تقسیم بندی نمود .

1-دیالکتیک فلاسفه قدیم یونان راجع به طبیعت که به هرا کلت منتهی گشت

2-دیالکتیک افلاطون و ارسطو

3-دیالکتیک هگل

4-دیالکتیک ماتریالیسم

البته خود دیالکتیک هم سیر دیالکتیکی خود را طی کرده است .

هراکت که نماینده مرحله اول دیالکتیک غرب است. از پدید آوردگان دیالکتیک بود افلاطون و ارسطو نماینده مرحله دوم بودند. مرحله سوم دیالکتیک ایده آلیستی هگل است این دیالکتیک که می توان آنرا دیالکتیک تاریخی ایده آلیستی خواند منتهی به دیالکتیک ماتریالیسم تاریخی کارل مارکس می گردد.

پایه دیالکتیک روی این اصل قرار دارد که هیچ چیز بصورت موجود خود باقی نمی ماند تنها چیزی که ابدی است، تغییر و تحول است، هر تحولی را ناچار تحولی در پی است و زنجیر تحولات تا ابد بهم پیوسته است هر چیزی تضاد خودش را نیز بوجود می آورد، همانند معنی پیدا کردن نیستی در برابر هستی خرد در برابر بی خردی. امور عالم در آن واحد هم خود و هم ضد خود است. این تضاد باعث تغییر و تحول می گردد. به مثالی در این زمینه توجه بفرمائید. مرغ نفی جوجه است (تز) و جوجه نفی تخم مرغ (آنتی تز) و مرغ نفی هر دوی آنها (سنتز). بر طبق نظر ماتریالیست ها جریان امور عالم روی سه اصل مزبور می گردد.

برای ماتریالیسم دیالکتیک چیزی ثابت، مطلق و مقدس همانند خدا و عشق و... وجود ندارد. هر حرکت و هر جنبشی عبارت از یک سلسله سیرهایی است که با شدن و نابود شدن، تحول و تکامل می یابد بعبارت دیگر همه چیز دستخوش تحولات تاریخی است. بر خلاف افلاطون و ارسطو و هگل که برای رشد و تکامل حدودی قائل بودند ماتریالیسم دیالکتیک حدودی برای رشد اجتماعی قائل نیست. ماتریالیسم دیالکتیک عقیده وجود تضاد هم ندارد. شب و روز دو چیز مجزا نمی باشند بلکه پشت و روی یک واقعیند.

لود و یک فیورباخ

فیورباخ در 28 ژوئیه 1804 در باواریا متولد گردید. وی دارای آثار بزرگ فلسفی بر علیه مذاهب می باشد وی معتقد است فلسفه یک علم ویژه نمی باشد و می گوید فلسفه آخرین نوع مذهب از نوع تصفیه شده آن می باشد وی برای اینکه ثابت کند فلسفه همان مذهب است عقل کیهانی هگل را با ایده مسیحی خدا مقایسه می کند و با دلایل ثابت می کند که مطلق هگل چیزی غیر از خدا نمی باشد و حتی گام را فراتر می گذارد می نویسد بجای اینکه معتقد باشیم خدا انسان را بشکل و هیئت خود آفریده، باید بگوییم این انسان است که خدا را به بهیئت خود خلق کرده است.

فیورباخ می گوید دانش واقعی فقط آن است که به همان مادی و محسوسی تعلق دارد. دانش مافوق طبیعی، خیالبافی است بنابراین علمی خاصی بنام متد فلسفی وجود ندارد فکر از ماده جدا نمی باشد و علم مبنی بر مشاهده و تجربه است و تعلق به جهان ماده دارد از خدمات ارزنده فیورباخ می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- فراهم آوردن زمینه مساعد برای تحول از ایده آلیسم به ماتریالیسم

2- رد مذهب با دلایل علمی

3- رد فلسفه بعنوان یک دانش

ماتریالیسم فیورباخ مبتنی بر ماتریالیسم علوم طبیعی بود و در حوزه تاریخی وارد نگردید. راه او کلیدی برای تفسیر مادی طبیعت ایجاد کرد چه با همین کلیه دیگران توانسته اند درهای گنجینه دانش را باز کنند.

کارل مارکس و ماتریالیسم تاریخی

کارل مارکس در 1818 در پروس متولد گردید . او از ابتدای جوانی میل به عصیان و انقلاب داشت و با نوشتن مقالات تحریک آمیز در روزنامه مجبور گردید ابتدا به پاریس و بقیه عمر خود را در لندن در منتهای فقر و بیچارگی بسر برد .

می گویند وی هر روز صبح اول وقت به کتابخانه می رفت و تا پایان وقت اداری غرق در مطالعه می گردید . با اینکه وی تمام عمر خود را صرف نوشتن کتاب سرمایه نمود ولی سرانجام آنرا به پایان نرساند و وقتی در 1883 در گذشت ، انگلس بخش آخر کتاب فوق را تکمیل کرد . فلسفه سیاسی مارکس بسیار پیچیده است و دارای سه اصل مشخص می باشد و مارکس حوادث سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را معلول قوانین خاص تاریخی می داند که وی آنها را دیالکتیک می خواند . اصل دوم نظریه اقتصادی وی میباشد که در آن به سرمایه داری حمله و از سوسیالیسم دفاع میکند . اصل سوم مبنای اخلاقی دارد و در آن برتری ارزشهای انسانی را بر ارزش موجود در کالاهای مادی به اثبات می رساند . مارکس معتقد است که قانون کلی تاریخی هگل بر مبنای متافیزیک قرار دارد و باید بر پایه علمی قرار گیرد . وی معتقد است تمام تغییرات تاریخی بر طبق دیالکتیک صورت می گیرد یعنی اول یک تز پدید می آید و سپس به آنتی تز تبدیل میگردد و در نهایت تبدیل به سنتز میگردد که حاوی تز و آنتی تز میباشد . انتقاد هایی که به مارکس وارد میگردد در ارتباط با برپاخاستن کارگران بر علیه نظام سرمایه داری میباشد و بعنوان مثال اگر وضع کارگران را با پنجاه سال پیش مقایسه کنیم وضع آنها بهبود یافته است . در مورد جبر تاریخ بعقیده بعضی دور از واقعیت مینماید .

موفق باشید بابی کوهی

baabi_koohi@yahoo.com